



محفل انس با قرآن ویژه مدیران - روز سه‌شنبه ۹۷/۵/۲

تفسیر دلایل عدم منافات اضلال منافقان با عدالت الهی در آیه‌های ۱۵ و ۱۶ بقره

خداوند در آیه‌های «اللہ یستہزی بہم و یمدہم فی طغیاءہم یعمہون، اولئک الذین اشتروا الضلالہ بالہدی فما ربحت تجارتہم و ما کانوا مہتدین» سنتی از سنت‌های خویش را شناسانده و از آن پرده دری کرده است. این سنت، امداد نام گرفته و نامگذاری این سنت متکی بر آیات قرآن کریم است که می‌فرماید «آن کس که تنها زندگی زودگذر دنیا را می‌طلبد آن مقدار از آن را که بخواهیم و به هرکس اراده کنیم می‌دهیم، سپس دوزخ را برای او قرار خواهیم داد که در آتش سوزانش می‌سوزد در حالی که نکوهیده و رانده (از درگاه خدا) است و آن کس که سرای آخرت را بطلبد و برای آن سعی و کوشش کند - درحالی که ایمان داشته باشد- سعی و تلاش او از سوی خدا پاداش داده خواهد شد. هریک از این دو گروه را از عطای پروردگارت بهره و کمک می‌دهیم و عطای پروردگارت هرگز از کسی منع نشده است.»

از این آیات نتیجه می‌گیریم که خداوند هم کسی را که دنیا را بخواهد هم کسی را که آخرت را بطلبد به شرطی که ملتزم به لوازم خواسته خود باشند امداد و کمک می‌کند. خداوند چگونگی این کمک را چنین توضیح می‌دهد که «کسی که خدا بخواهد او را هدایت کند، سینه‌اش را برای پذیرش اسلام می‌گشاید و کسی که به سبب اعمال خلافش بخواهد او را گمراه کند سینه‌اش را چنان تنگ می‌کند که گویا می‌خواهد به آسمان بالا برود. این گونه خداوند پلیدی را بر افرادی که ایمان نمی‌آورند قرار می‌دهد (انعام/۱۲۵).»

آیا انتساب افزایش مرض یا گمراهی برخی انسان‌ها به خداوند با عدالت پروردگار سازگار است؟ به این پرسش می‌تواند چند پاسخ داد. باید توجه داشت که سنت الهی بر این نیست که در ابتدا دل انسانی را بیمار کند یا بر بیماری کسی بیفزاید، بلکه این انتقال در چند مرحله می‌افتد، ابتدا خداوند برای پیشگیری از بیمار دلی اشخاص، دستور ایمان و تقوا و پرهیز از دین‌فروشی می‌دهد، اما اگر کسی با اختیار خویش خود را مریض کرد خداوند وی را از اصل بیماری‌اش آگاه می‌کند اگر بیماری در قلب انسان جای گرفت خدای سبحان راه درمان و برگشت به سلامت را به او نشان می‌دهد و اگر فرد به نسخه شفابخش قرآن اعتنا نکرد خداوند او را به افشای اسرارش تهدید می‌کند، اگر این هشدار موثر نیفتاد او را به تبعید و قتل تهدید می‌کند، اگر انسان‌ها به راه نیامدند آنگاه ایشان را به حال خود وا می‌گذارد و چون کارشان از درمان گذشته به آنان می‌گوید که هرچه خواستید بکنید. در اینجا نه تنها منافق از کتاب شفابخش الهی بهره‌ای نمی‌برد بلکه هرچه آیات بیشتری نازل شود، بیمار دلی او افزون‌تر می‌شود. پس خداوند در چند مرحله انسان گمراه را هدایت می‌کند ولی خود فرد به هدایت تن نمی‌دهد.

خداوند در تمام آیاتی که سخن از اضلال انسان‌ها به میان آورده قیدی را نیز ذکر کرده است. در این آیات از اضلال فاسقان، ظالمان، کافران یا مسرفان تردید کننده سخن گفته شده است، تمام این انسان‌ها خواهان گمراهی بوده‌اند و خداوند مطابق سنت خود ایشان را در این راه کمک کرده است. بنابراین در مورد آنان می‌فرماید که ما به ایشان ظلم نکردیم، بلکه خودشان بر خود ستم کردند.

می‌توان گفت که گمراه شدن ایشان توسط خداوند، نتیجه تبعی و جزای افعالشان بوده است از همین رو است که مسموم شدن کسی را که سم خورده می‌توان به خدای خالق قانون علیت نیز نسبت داد.

اضلال کافران و منافقان توسط خداوند، به معنای امتناع از فیض رحمت و سلب توفیق هدایت خداوند از ایشان است، کسی که مشمول هدایت پروردگار قرار نگیرد و از رحمت خداوند محروم شود گمراه خواهد بود و از این رو در روایات آمده است که از خداوند بخواهیم که ما را لحظه‌ای به خودمان وا نگذارد.